

روش نوشتاری ساده به خط فارسی برپایه‌ی چیدمان بلوکی



هر گامی در درست نوشتن کمک به نوسوادان است که درست بخوانند. خواندن و نوشتن دو مهارت به هم پیوسته‌اند. کم بود و به کارگیری روش‌های نادرست در یکی، سبب آسیب در دیگری می‌شود.



روش نوشتاری ساده از کجا مایه می‌گیرد؟

روش نوشتاری ساده، ویژه سوادآموزان پایه، بخشی از مجموعه‌ی پژوهش‌های زبان‌آموزی **موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان** است که از ۱۵ سال پیش برای به‌سازی آموزش زبان فارسی پایه به کودکان فارسی‌زبان و کودکان دوزبانه برنامه‌ریزی شده است. این روش و رویکرد بر این باور است که روش آموزش فارسی در چارچوب برنامه‌ی رسمی آموزش و پرورش نیاز به نوآوری دارد و این نوآوری‌ها تنها از راه هم‌یاری با گروه‌های پژوهش‌گران آزاد در نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی و پژوهش‌گران منفرد ممکن خواهد بود.

این شیوه‌ی نوشتاری اکنون در کتاب‌های منتشره از سوی **نشر چیستا** که ناشر کتاب‌های **آموزش خلاق از راه ادبیات کودکان** است و کتاب‌های ادبیات کودکان **انتشارات موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان** به کار می‌رود. در این روش، مبنای به‌سازی در خط یا نوشتار فارسی بر روی خط کنونی زبان فارسی است، زیرا به باور ما:

- خط فارسی بخشی از هویت فرهنگی ایرانیان است و هویت فرهنگی را نمی‌توان یک شبه دگرگون کرد و هیچ جایگزین خردمندانه و کارسازی هم برای آن وجود ندارد. تجربه‌ی یک سده گفت‌وگو درباره‌ی دگرگونی در خط فارسی نشان می‌دهد آن‌ها که در پی نوین‌سازی خط فارسی بوده‌اند راه به جایی نمی‌برند و نخواهند برد.

- بر این باوریم آن‌ها که پیش‌نهاد دگرگونی خط فارسی با خط لاتین را می‌دهند، نه خط فارسی و ویژگی‌های آن را به درستی می‌شناسند و نه از کم‌بودها و آسیب‌های خط لاتین آگاهی دارند.

- خط فارسی مانند همه‌ی خط‌های لاتین و غیرلاتین خط آوانگاری شده نیست و کم‌بودهای خود را دارد. اما این کم‌بودها را می‌شود با روش‌های خلاقانه جبران کرد.

- در آموزش سواد پایه به کودکان فارسی‌زبان یا کودکان دوزبانه نیاز است که نگاه ویژه‌تری به این خط داشت و آن را هم‌راستا با درک این کودکان بهبود بخشید.

- برنامه و روش نوشتاری ما هم‌راه و هم‌راستا با برنامه‌ی زبان‌آموزی پایه‌ای است که با هدف جایگزینی در نظام آموزش و پرورش تهیه می‌شود. زیرا ما باور داریم که آموزش زبان از راه ادبیات کودکان بهترین جایگزین برای آموزش زبان به کودکان و به ویژه کودکان کم‌برخوردار و کودکان دوزبانه است. زیرا انگیزش‌های شناختی و هیجانی آن‌ها را برای یادگیری بالا می‌برد و از این راه بهتر می‌آموزند.

روش نوشتاری در کتاب‌های آموزش خلاق از راه ادبیات کودکان

برای این که نوشتار فارسی را با هدف خواندن و در پی آن نوشتن درست آن آسان کنیم سه کار عمده انجام داده‌ایم. این سه کار بر بنیاد توجه به عادت‌ها و سنت‌ها بوده است و دارای بیش‌ترین بُرد است، اگر به آن درست توجه شود. نخست: نوشتن را به ساده‌ترین و منطقی‌ترین شکل آن با نظریه‌ی «چیدمان بلوکی» ساخته و درآورده‌ایم.

دوم: برای نوشتن، یکی از زیباترین قلم‌های فارسی به نام **ایرانک دبیره** را که مناسب چرخش دست کودک ایرانی است، طراحی کرده‌ایم. سوم: برای شناخت‌پذیر کردن استثناها، نشانه‌های به نام **ماهک** ساخته‌ایم که در دوره ابتدایی سوادآموزی تا زمانی که مطمئن شویم کودکان می‌توانند به درستی «واک‌ها» و «نویسه‌های» استثنا را تشخیص دهند می‌توانیم آن را به کار ببریم.

این نوشتار تنها روی تاثیر و نقش «چیدمان بلوکی» در آموزش خواندن و نوشتن کودکان تمرکز دارد و درباره‌ی چگونگی نوشتار برخی از واژگان که هم‌سازی میان آوا و نویسه یا واک و نویسه نیست، یا درباره‌ی به کارگیری ماهک‌ها در نوشتاری دیگر سخن گفته خواهد شد.

آسان‌سازی خط فارسی با کاستن از استثناها و بسامان‌تر کردن آن

آسان‌سازی نوشتن به خط فارسی، نیاز به سامان‌مندی و قاعده‌مندتر کردن اصول این خط دارد. یکی از مهم‌ترین نکته‌هایی که در خط فارسی است، افزودن استثناهای بی‌پایان و بی‌دلیل در این خط است. مانند این که امروزه فرهنگستان می‌گوید **تر** و **ترین** در همه موارد از واژه‌ی هسته جدا می‌شود جز در مورد بیش و کم و... در حقیقت این گونه استثناسازی‌ها که بازمانده از یک رسوب هزارساله با سنت‌های متفاوت کاتبی و خوش‌نویشی و تندنویسی است، ساختار خط فارسی را به شدت دیرآموز کرده است.

چرا باید در نوشتار برای کودکان روشن‌مندی را پایه و بنیاد کار گذاشت؟

کودکان در آموزش نوشتار و بعد در خواندن برخی چیزها را زودتر از برخی چیزهای دیگر می‌آموزند. از جمله، واژگان- ریشه **Root Words**، هسته یا پایه را با شتاب بیش‌تری یاد می‌گیرند. مانند **چشم، لب، دهان، بابا، بادام**.
- کودکان واژگان یک بخشی را زودتر از واژگان چند بخشی یاد می‌گیرند.
- خواندن واژگان یک بخشی برای کودکان از خواندن واژگان چند بخشی آسان‌تر است.
- کودکان و به ویژه کودکان دوزبانه در چرخش‌ها یا دگرگشت‌هایی که روی واژگان هسته یا پایه انجام می‌شود، همیشه به دنبال دریافت قاعده آسان هستند.
- روش «**چیدمان بلوکی**» بهترین حالت یا شیوه برای آموزش چرخش‌ها یا دگرگشت‌های زبانی است.

زبان گفتاری از ساده به پیچیده سازمان یافته است

زبان گفتاری بر پایه‌ی ساخت خود از ساده به پیچیده شکل گرفته است. پیش از این که انسان دستور زبان را بشناسد و به کار ببرد، زبان با ساده‌ترین واژه‌ها ساخته شد. یکی از کهن‌ترین واژه‌های زبان فارسی «**واک**»، یا «**وات**» اوستایی است که **واژ** یا **واژه** هم از آن ساخته شده است. شناخت این واژه آغاز شناخت زبان به کودکان است، زیرا واک‌ها یا حروف الفبای فارسی بنیاد این زبان را می‌سازند. ساختار الفبا خود گونه‌ای جدول یا بلوک‌بندی است. اگر این روند در همه سطوح زبان به کار رود، آموزش زبان بسیار ساده‌تر از این می‌شود که هست.

روش نوشتاری در کتاب‌های **آموزش خلاق از راه ادبیات کودکان**، از الگوی یادگیری آسان‌تر پیروی می‌کند. یادگیری آسان‌تر در نوشتن به خط فارسی از چه راه‌هایی دست‌یاب‌تر است؟ خط یا دبیره فارسی از گونه خط‌هایی است که نویسه‌های آن در دو وضعیت چسبان و ناچسبان واژه‌ها یا واژها و واژگ‌ها را بازتاب می‌دهند. در حالی‌که در خط‌هایی که به لاتین است، نویسه‌ها تنها در وضعیت ناچسبان در کنار هم قرار می‌گیرند و به همین دلیل **نویسه‌گونه‌ها**

Allographes خط‌های لاتین کم‌تر از خطی مانند فارسی است. برای نمونه در زبان انگلیسی **B** یک حالت دیگر هم دارد که آن **b** کوچک است. یعنی این نویسه یک نویسه‌گونه دیگر دارد. اما در فارسی **ب**، سه ریخت یا نویسه‌گونه‌ی دیگر دارد، که **ب** - **ب** - **ب** است که هر کدام از این حالت‌ها آموزش زبان را کمی سخت‌تر می‌کند. این وضعیت که گاهی در آغاز واژه، گاهی در میانه و گاهی در پایان واژه ایجاد می‌شود سبب شده است که ریخت‌های الف‌بایی یا نویسه‌ها و نویسه‌گونه‌ها گسترده‌تر شوند. اما به راستی کودکان نوآموز این دگرگشت‌های نویسه‌ای و نویسه‌گونه‌ای را بسیار زود یاد می‌گیرند، اگر که ما کار خواندن و نوشتن را برای آن‌ها سخت‌تر نکنیم.

وضعیت چسبان و ناچسبان در خط فارسی سبب شده است که روند نوشتن در میان زبان‌آموزان یا سوادآموزان پایه، اگر قواعد استثناها را هم به آن بیافزاییم، با وقفه‌های شناختی یا گسست‌های یادگیری همراه شود. در این‌که بهترین راه برای یک خط **با دبیره** برای زبان فارسی چیست، نزدیک به صد سال است که در ایران مقاله یا کتاب نوشته شده است. گروهی خواستار دگرگونی بنیادی در این موضوع شده‌اند که کارشان به هیچ‌روی پیش نرفته است، نه این‌که دید آن‌ها منطقی بوده است، که کارشان پیش نرفته است، بلکه به سبب نگاه‌شان که پیوند میان خط و دبیره را با فرهنگ در نظر نمی‌گیرند کارشان پیش نمی‌رود. برای نمونه در ترکیه‌ی عثمانی پایه‌های جابه‌جایی از خط عربی به لاتین گذاشته شد و در نهایت این خط عوض شد، اما گسست فرهنگی میان ترکیه نو و سنت‌های فرهنگی‌اش و همین‌طور ناکارآمدی همین خط لاتین در بهبود وضعیت سوادآموزی چیزهایی نیست که از نگاه منتقدان دور مانده باشد. در ایران اما کسانی که از همان ابتدا کوشش‌های خود را بر بهبود این خط یا دبیره گذاشتند، به جریان باسوادی فرهنگی مردم کمک بیش‌تری کردند تا آن‌ها که پای در یک کفش کرده و خواهان دگرگونی کلی در این خط هستند. ما از گروه کسانی هستیم که به جنبش بهبود خط فارسی باور داریم. اما تفاوت کار ما در دو نکته است:

- نخست این که کار ما با زبان آموزی پایه در پیوند است.
- دوم این که برای آموزش زبان فارسی و خط آن یک برنامه متفاوت از آموزش و پرورش رسمی داریم. در مورد آموزش زبان فارسی به کودکان و به ویژه کودکان دوزبانه، آموزش پیش‌درآمدی یا مقدماتی **آواوری** و **الف‌باوری** را تهیه کرده‌ایم تا این کودکان به ناگهان و بی‌مقدمه وارد دوره آموزش زبان فارسی نشوند.

چگونه می‌توان نوشتار فارسی را هم قاعده‌مندتر و هم ساده‌تر کرد؟

به باور ما و برخی دیگر از کارشناسان، خط فارسی در دوره هزار ساله گذشته، برپایه‌ی قواعد خوش‌نویسی پیش‌رفت کرده است. خط فارسی به سبب پیچ‌وخم‌هایی که دارد، یکی از زیباترین خط‌های جهان است و در این میان شیوه‌هایی از خط فارسی مانند نستعلیق که پر از پیچ‌وخم و کشیدگی است سرآمد این زیبایی‌ها به شمار می‌رود. اما این زیبایی‌ها که در جای خود بسیار نیکو است، سبب شده است که اصول نگارش فارسی برای بیش از هزار سال از سوی خوش‌نویسان تعیین شود نه از سوی ادیبان و زبان‌شناسان. تنها از دوره مشروطه به بعد است که با گسترش موضوع سوادآموزی همگانی راه دست‌یابی به خطی آسان که بتوان با آن زبان فارسی را آموزش داد، در مطبوعات بازتاب یافت. زبان و خط فارسی در یک سده‌ی گذشته همواره با واژه‌سازی فارسی و قاعده‌مند کردن خط به سوی آسان‌سازی بیش‌تر پیش‌رفت کرده است. زمانی به سبب همین تاثیر خوش‌نویسی، افزوده یا شناسه‌ی جمع در فارسی یعنی «ها» به واژه‌ی هسته می‌چسبید. مانند **چشمها، گوشها، دهانها**، اما از نیم سده پیش آن‌ها که در کار آموزش زبان فارسی به نوسوادان بودند، پی بردند که باید قواعد خوش‌نویسی را از قواعد آموزش خط جدا کنند. پس در این نیم سده گذشته خط فارسی برخی از قاعده‌ها را به گونه همه‌پذیر به کار گرفت. برخی از این قاعده‌ها چنین است:

- اکنون اگر کسی تکواژ یا پیش‌وند فعلی «می» را به پایه فعل بچسباند، مانند «**میشود**» که اکنون شده است «**می‌شود**». یا «**می‌خورد**»، یا «**می‌پوشد**» کار او چندان پذیرفتنی نخواهد بود، در حالی که چند دهه پیش چه در نوشتارها و چه در نوشتن‌ها این گونه از خط رایج بوده است.

- نشانه‌ی جمع در همه حالت از واژه‌ی پایه یا هسته جدا می‌شود، اکنون به طور کلی کم‌تر دیده می‌شود که کسی نشانه‌ی **های** جمع را به واژه‌ی هسته بچسباند.

- در نوشتار فارسی کنونی، یک توافق یا پیمان عمومی وجود دارد که برگرفته از سنت و عادت است. از این رو کسی واژگان - ریشه را که بنیاد زبان را می‌سازند، جدا نمی‌نویسد. واژگان- ریشه یا هسته مانند، **خاک، آتش، سنگ، نهنگ** و ...

اما همیشه این تفاهم در نوشتار زبان فارسی رعایت نمی‌شود و در این باره فرهنگستان شیوه‌نامه‌هایی برای ایجاد این تفاهم نوشته است. نگرش فرهنگستان اگرچه ممکن است برای بزرگسالان کارآمد باشد یا آن را به کار بگیرند یا بر پایه‌ی پسند این و آن به کار نگیرند، اما این قواعد فرهنگستان ادب فارسی نیازهای سوادآموزان پایه را به صورت موضوعی روش‌مند و مطالعه شده در نظر نمی‌گیرد.

با این همه، اکنون مصوبات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش شیوه‌نامه‌ی کمیسیون شیوه‌ی املایی فرهنگستان زبان و ادب فارسی را بنیاد کار خود قرار داده است که بسیار به ساده‌سازی و قاعده‌مندی کار نوشتن کمک می‌کند، زیرا در این مصوبه اصولی مانند برتری جدانویسی بر پیوسته‌نویسی آمده است. برای نمونه:

بخش عمده شیوه رسم‌الخط مصوب بر (جدانویسی) تکیه دارد و در تقابل پیوسته‌نویسی واژه‌های مرکب یا مشتق، به جدانویسی سفارش شده است. برای نمونه جوان‌تر، کتاب‌ها، فرهنگ‌نامه، کمال‌جو، گفت‌وگو بر شیوه‌ی دیگر املای این واژه‌ها، یعنی جوانتر، کتابها، فرهنگنامه، کمالجو و گفتگو اولویت دارند.

متأسفانه بررسی کتاب‌های درسی سال نخست و دوم دبستان نشان می‌دهد که این اصول بنیادین گاهی از سوی نویسندگان آن‌ها رعایت نشده است. برای نمونه در همه موارد، **بیش‌تر** را **بیشتر** نوشته‌اند زیرا یک اصل در پیوست و چسباندن نشانه‌های صفت یا افزوده‌نام برتر و برترین داریم که **بیش‌تر** و چند واژه دیگر را به گفته آن‌ها چون قدما استثنا کرده‌اند، آن‌ها هم همین راه را ادامه می‌دهند، اما این استثناسازی چه کمکی به زبان‌آموز می‌کند یا کودکان چگونه این منطق پیچیده با سنت هزارساله و علت‌های آشکار و پنهان آن را دریابند؟

آمیخت خوش‌نویسی با سوادآموزی برگشت به سوادآموزی مکتب‌خانه‌ای

متأسفانه بیش از یک دهه است که افزون بر همه دشواری‌هایی که از پیش در مورد آموزش زبان پایه به نوسوادان وجود داشت، بار دیگر روش‌های خوش‌نویسه‌ای که با کوشش نظریه‌پردازان سوادآموزی همچون **محمدباقر هوشیار**، **سلیم نیساری**، **ثمینه باغچه‌بان**، **ایرج جهانشاهی** و **عباس سیاحی** و ... از در بیرون شده بود، دوباره از پنجره خودش را به موضوع سوادآموزی پایه

تحمیل کرد. از دوره‌ی زمانی ۱۳۲۰ کم‌کم روند جدایی سنت‌های خوش‌نویسی از زبان‌آموزی پایه آغاز شد، و در دهه‌ی چهل با کاری کارشناسانه استانداردهایی مانند **خط زمینه** به رسمیت درآمد تا کودکان بتوانند در ساده‌ترین شکل، نوشتن به فارسی را بیاموزند.

اما نقص بزرگ این کار این بود که کارشناسان آن زمان، چرخش‌ها و نرمش‌های خط فارسی را در نظر نگرفتند و گرایش این قلم به گونه‌ای بر خط‌های راست و بی‌خمیدگی در جهت‌های عمودی و افقی بود. این پدیده سبب شد که کودکان آن چند دهه نسبت به دهه‌های پیش از خود بدخطرتر شوند. و باز ناگهان از دهه ۷۰ کسانی که زیر بار تعهد به خوش‌نویسی مانده بودند، این پدیده را وارد سوادآموزی پایه کردند و شاید با این کار یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به روند ساده‌سازی زبان‌آموزی پایه زدند.

از نگاه دیگر، برگشت سنت خوش‌نویسی به سوادآموزی پایه، برآمده از فشارهای سنت خوش‌نویسی هزار ساله است که در جامعه ایران و در بخش دیوانی و هنری ریشه‌ای استوار و تنومند داشته است. پدیدار شدن این پدیده برآمده از دیدگاه‌های دستگاه دیوانی سنتی است و داشتن خط خوش یکی از پیش‌شرط‌های به‌کارگیری میرزاها و دیوانیان در نظام اقتصادی و حکومتی بوده است. اما به‌کارگیری دوباره آن، در زمانه‌ای که نه دیوان مانده است و نه میرزا و هم‌چنین گونه‌ای دیگر از نوشتار، یعنی نوشتن به سبک دیجیتالی فراگیر شده است، کار آموزش زبان فارسی را از این که هست، بسیار دشوارتر کرده است. این کار به شدت به شناخت‌پذیر و ساده کردن زبان و خط فارسی برای کودکان به ویژه در مناطق دوزبانه ایران فشار می‌آورد.

اگر بتوان قواعد و قوانین خوش‌نویسی و شکسته‌نویسی دیوانی و کاتبان را چه در ریخت‌های آشکار و چه در ریخت‌های نهان از بستر آموزش زبان پایه به نوآموزان جدا کرد، روند ساده‌سازی آموزش زبان پایه در ایران گام‌های بزرگی برخواهد داشت. دلیل آن هم این است که خط فارسی در ابتدا یعنی در هنگامی که هزارسال پیش از این **فردوسی** بزرگ **شاهنامه** خود را می‌سرایید، بسیار ساده‌تر از امروز بوده است. زیرا در آن زمان سنت کاتبی با سنت خوش‌نویسی به هم تنیده نشده بود و برتر این بود که ساده‌تر و رساتر نوشته شود.

هرچه که زمان به پیش آمد، خط فارسی بیش‌تر از گذشته از سنت‌های خوش‌نویسی تاثیر گرفت و این تاثیر را به عنوان قواعد و قانون‌های نوشتاری به دوره آموزش همگانی منتقل کرد. خوش‌نویسان نوشتن **تهران** را به بلوک‌های ترجیح می‌دهند، یا به طور عموم چسباندن بلوک‌های پیرو را به بلوک‌های پایه برای زیبایی و رعایت اصول خوش‌نویسانه انجام می‌دهند. به همین دلیل

چشم‌ها پیش از این **چشمها** نوشته می‌شده است و این از جنبه آموزشی و ساده‌خوانی برای نوآموزان آسیب‌زا است.

از نگاه ما افزودن خوش‌نویسی به روند سوادآموزی کاری زبان‌آور است و در جاهایی ویران‌گر است. زیرا خوش‌نوشتن نباید روی سوادپایه که هدف‌های آن مشخص است سوار شود. خوش‌نویسی یک هنر است و بخشی از فرهنگ ما را می‌سازد. این هنر بسیار با ارزش است، اما جای آن در کتاب‌های آموزش زبان فارسی پایه نیست.

در یک سده گذشته هرچه نوشتن فارسی از سنت‌های خوش‌نویسی فاصله گرفت، روش نوشتن آن هم بلوکی‌تر و آسان‌تر شده است. با این همه، مشکل تنها این نیست. در همین کتاب‌هایی که از سوی آموزش و پرورش برای همه‌ی کودکان ایران از شرق تا غرب و از جنوب تا شمال منتشر می‌شود، ساده‌ترین اصول ساده‌سازی نوشتار فارسی هم رعایت نشده است. کسی که این کتاب‌ها را کارشناسانه بررسی می‌کند، متوجه نمی‌شود اصولی که مولفان روی آن نوشتار خود را ساخته‌اند بر مبنای روش‌ها و رویکردهای سوادآموزی است، یا دستورهای فرهنگستان زبان و ادب فارسی که کارشناسان آن در حوزه سوادآموزی پایه، کم‌ترین تجربه‌ای ندارند. بنابراین به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود و موشکافی بیش‌تر در مقاله‌ای جداگانه ارائه خواهد شد.

برای نمونه روشن نیست چرا در کتاب‌های فارسی سال اول و دوم دبستان، یک صفحه **بیاموز** را که پایه‌ی «آ» دارد بدون حذف این پایه نوشته‌اند و در جای دیگر **بیندیش** را بدون پایه نوشته‌اند. سبب این کار برگشت به نظر متقدمان است که گفته‌اند «**جمع میان یا و الف در کتابت جایز نیست**» اما همان متقدمان هم نمی‌دانسته‌اند چرا جایز نیست، زیرا این موضوع تنها برگرفتی از تندنویسی کاتبان و خوش‌نویسان است که تا ممکن است برای تند یا زیبانویسی، خط‌های عمودی را به دور می‌ریزند که نمونه‌های آن در **بیفکند**، **بیفتاد** و **بیندیش** و غیره دیده می‌شود و کسانی که می‌گویند متقدمان این گونه نوشته‌اند، نمی‌گویند متقدمان چون پنداشته‌اند، تندنویسان و خوش‌نویسان این گونه می‌نویسند آن‌ها هم این گونه نوشته‌اند و پس از آن برای خود دلیل‌تراشی کرده‌اند که **یا** با **آ** را می‌شود سرهم کرد اما **یا** با **الف** را نمی‌شود. همین استثناسازی‌ها است که نوشتن به فارسی را به ویژه برای نوآموزان و کودکان دوزبانه سخت کرده است. یا در مورد دلیل‌های به‌کارگیری چهار گونه از قلم یا خط نستعلیق، نسخ، تحریری و قلم‌چاپی را اگرچه این گونه شکسته بسته گفته‌اند: **برای نخستین بار در تاریخ زبان‌آموزی کشور به شکلی هدف‌دار در کتاب‌های درسی بخوانیم برای خواندن از خط نسخ اصلاح شده (خط کودک) و در کتاب‌های بنویسیم برای نوشتن از خط**

تحریری (آموزان) استفاده شده است. با توجه به توان کودکان دبستانی که قادر به گرت‌برداری سریع از امور و پدیده‌ها هستند، انتظار می‌رود دانش‌آموزان پایه‌ی اول از همان روزهای آغاز سال تحصیلی، شکل دیداری نوشته‌ها را به حافظه‌ی بصری بسپارند و از روی آنها رونویسی کنند تا به مرور زمان در پایه‌های بالاتر خطی خوش و خوانا داشته باشند.

اما یکی نبوده است که در پاسخ به این نویسندگان بگوید که صد سال به درازا کشید که کارشناسان زبان‌آموزی، خط‌های تزئینی و کاربردی فارسی را از روند آموزش زبان بیرون راندند، آن وقت شما تازه می‌گویید که در تاریخ زبان‌آموزی کشور به شکل هدف‌دار خط‌های تحریری و نسخ و غیره را وارد روند سوادآموزی کردیم.

در یک کلام آن‌ها هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای بکارگیری این قلم‌ها در فرایند سوادآموزی پایه برای کودکان نیاورده‌اند. اگر دلیل آن‌ها خوش‌نویسی کودکان است که به طور مطلق و نه نسبی، خوش‌نویسی پس از دوره‌ی گذار از کاتبی و میرزانونویسی هیچ پیوندی با میزان سواد شخص ندارد. این کار به دلیل کژومژ سازی خط یا قلم، روند شناختی را در سوادآموزی کند می‌کند و کودکانی که درگیر شناخت نویسه‌ها هستند، در همان گام نخست دچار وقفه‌ها یا گسست‌های شناختی می‌شوند.

چیدمان نویسه‌ها در کتاب‌های اول و دوم فارسی آموزش و پرورش

پشت نوشتار کتاب‌های اول و دوم دبستان که ویژه سوادآموزی پایه است، از جنبه چیدمان نویسه‌ها، هیچ فلسفه‌ی روشنی وجود ندارد. روشن است که در جاهایی این نویسندگان سنت ساده‌سازی را رعایت کرده‌اند، اما مشخص نیست که چرا در جاهای دیگر به این سنت پشت پا زده‌اند.

نمونه‌ها:

از کتاب اول دبستان و کتاب خواندن چاپ سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ همان‌گونه که گفته شد، در مورد دو نکته جداسازی نشانه «های» جمع و «می» پیش‌وند فعلی همان روش ساده‌سازی را به کار برده‌اند. اما در موارد دیگر فلسفه کار برای ساده‌سازی روشن نیست. برای نمونه در ص ۴۷ در شعر اسدالله شعبانی آمده است:

من یک دنیا **خاکت** را
دارم دوست
خاک خوب و **پاکت** را
دارم دوست

روشن نیست که چرا پس‌وند جانشینی ملکی «**خاک‌ات**» و «**پاک‌ات**» را سرهم و چسبان نوشته‌اند. اگر سنت فرهنگستان است و زبان معیار برای بزرگسالان که این نادرست‌ترین کاری است که در زبان‌آموزی به کودکان به کار گرفته شده است. خاک و پاک هر دو در ساختار زبانی، از گونه‌ی واژه‌های یک‌پایه و همین‌طور **واژگان میزبان Host Wrods** هستند. در **چیدمان بلوکی** باید واژگان میزبان از وندها که در این جا پس‌وند هستند، جدا نوشته شود، تا کودک زبان‌آموز به سادگی ساختار هم‌آمیزی و پیوندی زبان فارسی را بشناسد. نکته دیگر در مورد **پاکت** این است که ما واژه فارسی شده لاتین یعنی **پاکت Pocket** را داریم که با **پاک‌ات** یکسان‌سازی و سبب بدفهمی می‌شود.

در ص ۶۴ **همکاری** را چسبیده نوشته‌اند اما بارها در کتاب اول و دوم «**هم‌کاری**» را دوباره جدا نوشته‌اند. باز هم در ص ۷۵ «**هم‌دیگر**» را جدا نوشته‌اند و در همان ص «**همکار**» را چسبیده نوشته‌اند. در ص ۹۶ دوباره «**همراه**» را چسبیده نوشته‌اند.

در ص ۷۸ «**راست‌گو**» و «**درست‌کار**»، **خوش‌حال** را جدا نوشته‌اند مانند ص ۱۱۹ اما در ص ۸۵ «**دلپذیر**» را چسبانده‌اند. روشن نیست چرا وقتی می‌شود، واژگانی مانند **لاک‌پشت** و **لک‌لک** (ص ۵۴) **دل‌خواه** (ص ۵۹) را جدا نوشت که جدا نوشته‌اند، چرا باید واژگانی مانند **لیخند** (ص ۶۵)، **شاهنامه** (ص ۹۸)، را سرهم نوشت و باز اما در همان ص «**شب‌به‌خیر**» را جدا نوشت. روشن نیست چرا وقتی که می‌شود، **خوش‌حال** را بلوکی نوشت، چرا نمی‌شود «**آشپزخانه**» (ص ۱۱۹) را بلوکه کرد و این گونه نوشت **آش‌پزخانه**، چرا این کار در سوادآموزی پایه از کودکان دریغ شده است.

یا **کتاب فارسی دوم دبستان** که در بسیاری موارد با کتاب اول در تضاد و ناسازگاری است و کسی که این دو کتاب را با هم بسنجد به سادگی متوجه می‌شود که دستور نوشتاری یک‌سان بر این دو کتاب حاکم نیست. برای نمونه در ص فهرست کتاب فارسی دوم نوشته است «**چوپان درستکار**» در حالی که در کتاب اول **درست‌کار** جدا نوشته شده است. در همین ص فهرست نوشته شده است «**احوالپرسی**» در حالی که در متن درس‌ها در ص ۵ جدا نوشته شده است. متأسفانه در کتاب فارسی یک و دو در موارد بسیاری پس‌وند «**تر**» یا جدا یا

چسبیده نوشته شده است. برای نمونه در ص ۲۰ «بیشتر» و در ص ۲۸ «کمتر» چسبیده نوشته شده است، اما در ص ۵۱ در یک جا و در یک فاصله اندک «کوچک‌تر» جدا و «بیشتر» چسبیده نوشته شده است. شاید نویسندگان از شیوه‌نامه فرهنگستان پیروی کرده باشند، اما کودک زبان‌آموز چگونه این منطق را بفهمد که در ذات واژه‌های مانند کوچک چه هست که تر باید از آن جدا نوشته شود و در بیش چه هست که باید تر به آن بچسبد؟

مشخص نیست چرا در ص ۵۶ چلچراغ که نوشتن و خواندن آن برای کودکان در سطح سواد پایه دشوار است، چسبیده نوشته شده است، اما در ص ۵۱ «هم‌کلاسی‌هایم» جدا نوشته شده است.

روشن نیست چرا قیده‌های اشاره مانند «این‌جا» و «آن‌جا» به صورت «اینجا» (ص ۸۰) و «آنجا» نوشته شده است.

روشن نیست هنگامی که می‌توان «خوش‌مزه» و «زحمت‌کش» (ص ۴۲) «گیاه‌خوار»، «علف‌خوار» (ص ۳۹) و «سخن‌گو»، «سخن‌ران» (ص ۳۹) را جدا نوشت، چرا نمی‌توان «فروشگاه»، «دانشگاه» را جدا نوشت؟ ممکن است کسانی استدلال‌های فرهنگستانی بیاورند. اما این‌جا سخن بر سر آموزش سواد پایه است نه شیوه‌نامه برای ادیبان. مشخص نیست چرا «پرسش‌هایمان» را باید این گونه برای کودک نوسواد نوشت در حالی که می‌توان نشانه‌ی جمع را از نشانه‌ی ضمیر یا جانشین جدا کرد. (بلوک‌های دستوری)

روشن نیست چرا در یک ص «بی‌کار» جدا نوشته و در همان ص «تندرست» (ص ۲۱) چسبیده نوشته می‌شود؟

این تازه بخشی از ناسازه‌های نوشتاری کتاب اول و دوم دبستان است، ناسازه‌های دیگر که به گسترش بی‌سوادی در جامعه ما و به ویژه میان کودکان دوزبانه منجر شده است، در جای خود بماند. این روش به سبب برخی کژفهمی‌ها در آموزش زبان یا تنگ‌اندیشی‌ها یا ندانم‌کاری‌ها در چند دهه‌ی گذشته در جای خود مانده است. در حالی که ما می‌توانستیم با این روند آموزش زبان را آسان‌تر کنیم. اکنون اگر کسی به عنوان کارشناس، کتاب‌های فارسی اول و دوم دبستان را باز کند، و این ناسازگاری‌ها و ناسازواره‌ها را ببیند که دلیل آن هم روشن نیست با خود چه می‌گوید؟ این گروه که در جای تالیف کتاب درسی برای سوادآموزی نشسته‌اند، چه پاسخی برای اهل فن دارند؟

اصول چیدمان بلوکی برپایه‌ی شناخت واژگان- ریشه Root Words

واژگان ریشه Root Words واژگانی هستند بدون پیش‌وند و پس‌وند. پایه‌ی زبان‌آموزی این واژگان هستند و در حقیقت همیشه و همواره آموزش زبان روی این واژگان هدف‌گیری می‌شود. **آب** در میان واژگان ریشه‌ی فارسی نخستین واژه است که همواره در آغاز روند آموزش خواندن و نوشتن به نوآموزان گذاشته می‌شود، پس از آن واژگانی مانند **بابا، باد، بار، باران، بادام، نان** و... از واژگان-ریشه‌های فارسی برای آموزش زبان به نوآموزان هستند.

در چیدمان خط و نوشتار فارسی هنگامی که بلوک پایه یا واژگان-ریشه را به گونه‌ی معیار و به‌درستی نوشتیم، در بقیه موارد درست و نادرست نداریم، بلکه آسان‌تر و شناخت‌پذیرتر و سخت‌تر و دشوار فهم‌تر داریم. کسانی که می‌گویند این درست است و این نادرست، سرشت خط فارسی را نمی‌شناسند. چیدمان‌ها گاهی برپایه‌ی عادت است و گاهی برپایه سنت‌ها. این نکته‌ای است که اکنون آموزش و پرورش هم به آن باور دارد. اگر قرار بر دیرپنگی باشد، باید گفت که روش جدانویسی واژگان-ریشه از پس‌وندها و پیش‌وندها آن‌گونه که دکتر جلال متینی متن‌های سده پنجم هجری را بررسی کرده است (رسم‌الخط فارسی در سده پنجم هجری، دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۳۴۶ شماره ۱۰ و ۱۱) مقدم بر پیوسته‌نویسی است، زیرا همان‌گونه که روشن است، منشی‌یان برای تندنویسی، کاتبان برای کتاب‌نویسی و خوش‌نویسان برای خوش‌نویسی روش پیوسته‌نویسی را در سده‌های بعدی در ایران باب کردند.

نمونه از بلوک‌های الفبایی

ب	ذ	ف	و	ص
ژ	آ	ک	ن	ز

چیدمان بلوکی نوشتار از ساختار طبیعی زبان که الفبا است برگرفته شده است. ذهن انسان با شناخت الفبا چه در زبان گفتار و نوشتار، به این روش کار می‌کند که از مخزن خود این بلوک‌ها را برمی‌چیند و در کنار هم می‌گذارد تا واژه ساخته شود. زبان یک هسته اصلی دارد که واژه‌های بنیادین در آن می‌گنجند، این

واژه‌های بنیادین، برگرفته از بنیادهای زندگی انسان و طبیعت است. برخی از این واژه‌ها مانند، **آب، ابر، باران، خورشید، ماه، پسر، دختر، مادر، پدر، درخت، رود، ماهی، شکار، گندم، دریا** و ... است.

در سپیده دم تولید زبان این واژه‌ها بدون نسبت بودند. مانند **آب** که تنها اشاره به آب داشت، نه آب من یا تو، هنگامی که زبان همراه با پیچیده شدن جامعه رشد کرد، بست‌ها یا وندهایی به هسته‌ی واژه افزوده شد که شناخت آن را پیچیده‌تر کرد.

آب	ات	آبت
آب	اش	آبش
آب	نبات	آبنبات
آب	شار	آبشار
آب	پاش	آبپاش
گل	آب	گلآب

اگر وندها را از واژگان ریشه یا هسته جدا کنیم، کودکی که در بستر زبان مادری خود رشد می‌کند، بسیار آسان‌تر همان واژگان-ریشه و هم این بست‌ها یا وندهای زبانی را می‌آموزد، اما هنگامی که ریشه و وندها به هم بچسبند، آموزش زبان هم برای کودکان دوزبانه و هم برای کودکان فارسی زبان سخت‌تر می‌شود. بنابراین کودکی که زبان مادری‌اش فارسی است، خواندن و نوشتن فارسی را آسان‌تر و تندتر از کودکی یاد می‌گیرد که زبان مادری‌اش فارسی نیست. برای این که کودک دوزبانه بتواند فارسی را آسان‌تر بیاموزد، معیار باید او باشد نه کودک فارسی زبان. یعنی کارشناسان زبان فارسی باید چنان این زبان را برای آموزش ساده کنند که هدف آموزش این کودکان باشند. در حالی که در کتاب‌های رسمی آموزش و پرورش معیار برای آموزش زبان به کودکان، کودک فارسی زبان است، نه کودک دوزبانه. وجود ناهماهنگی در اصول خواندن و نوشتن، به کار بردن روش‌های خوش‌نویسانه همگی گواهی است بر این که کودک دو زبانه در این میان به درستی دیده نشده است.

در این میان ما با روش‌هایی که در خواندن و نوشتن ساخته و پرداخته، کودک دوزبانه را معیار قرار داده‌ایم. یعنی ساده‌ترین شکل آموزش زبان‌آموزی را برای

آن‌ها فراهم کرده‌ایم که به طور طبیعی این سادگی کار را برای کودکان فارسی زبان بسیار ساده‌تر می‌کند.

چشم های ات

چشم‌هایت

به طور طبیعی سه بلوک است، که در دستگاه سنتی نوشتاری یک بلوک شده است که در آن واژه‌ی ریشه با دو وند یا دو بلوک دیگر به هم چسبیده است و یک بلوک بزرگ ساخته است. همه‌ی آن‌ها که کار آموزش زبان با نوسوآدان را انجام داده‌اند می‌دانند یک پارچه کردن واژه‌ی میزبان با پیوندهای مهمان تا چه اندازه کار آموزش را سخت‌تر می‌کند. در روند ساده‌سازی، کارشناسان زبان‌آموزی و زبان‌شناسان، ویراستاران با رشد دستگاه‌های چاپ متوجه شدند که این‌گونه هم‌پیوندی برآمده از سنت کاتبان و خوش‌نویسان است. پس یک گام به پیش گذاشتند و واژه‌ی میزبان و پیوندهای مهمان آن را این‌گونه نوشتند: **چشم‌هایت** اما درست آن است که دو وند مهمان که اکنون به هم چسبیده‌اند از هم جدا شوند: **چشم‌های‌ات**

بنابراین کودک زبان‌آموز با منطق «چیدمان بلوکی» می‌تواند با شتاب بیش‌تری بیاموزد و چون ساختار زبان فارسی برپایه‌ی سوارشدن وندها در کنار هم است، بنابراین زبان‌آموزان نه تنها خواندن و نوشتن را آسان‌تر فرا می‌گیرند که روش زایش واژگان را می‌آموزند که در فرجام به توانش زبانی آن‌ها بسیار کمک می‌کند. گاهی برای آموزش این که ساختار زبان فارسی پیوندی است راه‌های ساده‌ای وجود دارد که می‌توان در فارسی‌آموزها به کار برد. مانند واژه‌ی **نانوا** که برای کودک نوآموز آموختن‌اش سخت است و هم‌چنین راهی است که به آن‌ها نشان داده شود که **نانوا** یک واژگان-ریشه به نام **نان** دارد که با افزودن «**وا**» یک واژه‌ی دیگر درست می‌شود. در این مورد می‌توان **نان‌وا** را به این گونه نوشت. هم یاد گرفتن‌اش آسان‌تر است و هم ساختار پیوندی زبان فارسی برای کودکان زبان‌آموز آشکار می‌شود. در این مورد واژگانی مانند **بهنر** هم هست که برتری دارد که **به‌تر** و به گونه‌ی چیدمان بلوکی نوشته شود.

گاهی اما واژه‌های مانند **مادر** یا **پدر** که یک بلوک پایه هستند، چنان‌اند که هیچ چیز دیگر نمی‌تواند به آن بچسبد. در این هنگام اگر بلوک پیرو مانند، **ش / شان** در کنار آن آمد، به طور طبیعی با آن یکی نمی‌شود و کودک زبان‌آموز به سادگی چگونگی پیوند میان بلوک یا وند را درمی‌یابد.

چیدمان بلوکی چه تفاوتی با چیدمان وندی دارد؟

چیدمان بلوکی همان چیدمان وندی است، با این تفاوت که در چیدمان بلوکی ما از بلوک‌های هندسی برای جای‌گذاری وندها استفاده می‌کنیم تا کودکان به آسانی ساختار نوشتاری زبان فارسی را بشناسند.

آسان سازی آموزش زبان فارسی برای کودکان نوسواد یا نوآموز و به ویژه برای کودکان دوزبانه

کودک کوتاه‌تر را ساده‌تر یاد می‌گیرد تا بلندتر را. در قانون زبانی، واژگان چند بخشی پیچیده‌تر هستند، بنابراین سخت‌تر و دشوارتر آموخته می‌شوند.

نمونه‌های واژه‌های میزبان / پیوندهای مهبان

از نگاه شما کودکان نوآموز کدام وجه از این دو حالت را زودتر یاد می‌گیرند؟

	حالت	حالت
	کفش	کف اش
	رانت	ران ات
	تخت	تخت ات
	بخت	بخت ات
	رخت	رخت ات
	رُخش	رُخ اش
	رویش	روی اش
	گوشت	گوش ات

(منظور کف است نه کفش)

ام	مامان	مامانم
اش	روی	رویش
ام	کتاب	کتابم
اش	کتاب	کتابش
ات	کتاب	کتابت
شان	کتاب	کتابشان
لب	خند	لبخند
لب	ریز	لبریز
لب	سوز	لبسوز

نمونه‌هایی از چسبندگی‌های آوایی، دوگانی‌ها:

غب	غب	غبغب
چپ	چپ	چپچپ
تپ	تپ	تپتپ

در چیدمان بلوک، درست و زیبا نیست که واژه‌های با ریشه‌های لاتین را از بلوک خود بیرون بیاوریم و با بلوک پیرو یکی سازیم، مانند:

وان حمام	اش	وان	تلفن	ات	تلفنت
	اش	وان	ماشین	ات	ماشینت
	اش	وان			وانش

ساخت و ریخت برخی از نویسه‌ها در خط فارسی چنان است که چسبیدن یک بلوک پیرو به آن، جدای از سخت‌تر خوانی، آن را زشت‌تر می‌کند، مانند:

قاشق	ات	قاشقت
قاشق	اش	قاشقش
توضیح	ام	توضیحم
صبح	ام	صبحم
میخ	ام	میخم

گاهی چسباندن بلوک پیرو که هم‌سان و هم‌ریخت هستند کار آموزش را دوچندان دشوارتر می‌کنند، مانند:

سخت	تر	سختتر
-----	----	-------

در چسبندگی‌ها گاهی تک‌واژ مهمان، واژه‌ی میزبان را به فرم‌های نوشتاری خود می‌کشاند که برای کودک نوآموز سخت‌خوان می‌شود.

پرچم	ام	پرچم
پرچم	اش	پرچمش
کتک	ات	کتکت

هم‌چنین آموزش زبان از جنبه‌ی خواندن و برپایه‌ی ابهام‌هایی که خط ایجاد می‌کند دو قطبی **نکته‌های روشن / نکته‌های تاریک** را می‌سازد. اگر حالت نوشتن را برای کودک نوآموز پیچیده‌تر کنیم، او به سوی نکته‌های تاریک گرایش پیدا می‌کند، که وقفه‌ها یا گسست‌های شناختی، دیرآموزی، سخت‌آموزی و در نهایت گریز از آموزش بخش‌هایی از آن است، اما اگر خواندن و نوشتن را برای او ساده کنیم، او را به سوی نکته‌های روشن رانده‌ایم که نه تنها سبب

انگیزش‌های شناخت بیش‌تر او می‌شود که زودتر پایه‌های زبان را می‌آموزد. در این جا دو اصل نکته‌های تاریک و نکته‌های روشن با یک نمونه ساده نمایش داده شده است.

من	زنم	/	من	زن	ام
خودروش	خودرویش		خودروی	اش	
برو	درست	را بخوان	برو	درس	ات

برخی از نمونه‌ها برای ساده‌نویسی که می‌توان آن را به همه موارد هم‌سان دیگر گسترش داد:

پرتگاه	پرت گاه
خوابگاه	خواب گاه
دانشگاه	دانش گاه
همراز	هم راز
همتا	هم تا
کشتزار	کشت زار
کفشگر	کفش گر
بهداشت	به داشت
بیکار	بی کار

هنگامی که برای نوآموزان روش بلوکی به‌کار می‌رود، آن‌ها را با پدیده‌ی مهم‌تر ساختار پیوندی و زاینده‌ی زبان فارسی آشنا می‌کنیم.

بشنو

شنوا

شنیدنی

نا شنوا

همه‌ی آن چه که در این دگرگشت‌ها انجام گرفته برپایه‌ی یک تک‌واژ «شن» بوده است. این پدیده یا این روش واژه‌سازی از ویژگی‌های برجسته زبان فارسی است که از گروه زبان‌های زاینده یا پیوندی است. زبانی که از هر بُن واژه می‌توان ده‌ها واژه‌ی دیگر ساخت.

بیهوش

هوش

بی هوش

با هوش

نقش زاینده و پیوندی زبان فارسی چنان است که اگر زبان‌آموز واژگان- ریشه را بیاموزد، آن‌گاه از این واژگان-ریشه می‌تواند زایش چندگانه واژه‌های دیگر را بشناسد، مانند واژه‌ی راه که می‌توان از آن واژه‌هایی مانند راه‌رو، راه‌نما، هم‌راه، گم‌راه، بی‌راه، راه‌گذر، چهار راه، راه‌دار، راه‌بر و... ساخت.

برای کودکی که کنج خانه را می‌شناسد، یا کنج برای او یک واژه‌ی آشنا است، کنج‌کاو‌ی اگر سرهم و چسبیده نوشته شود، بسیار سخت‌خوان و سخت‌نویس می‌شود، اما اگر همین واژه با چیدمان بلوکی نوشته شود، سرعت یادگیری آن از سوی کودک چند برابر می‌شود و باز هم کودک می‌تواند از این واژه-ریشه، واژگان دیگری را بسازد، مانند بی‌کنج، کنج‌دار و...

آن‌چه که در نوشتار فارسی مهم است رعایت شود، قاعده‌مند کردن این زایش‌ها است. اگر آگاه باشیم که واژه یا تک‌واژ پایه گاهی پس‌وند، میان‌وند یا پیش‌وند می‌گیرد و این‌وندها همان بلوک‌هایی هستند که به واژه‌ی پایه افزوده می‌شوند، آن‌گاه بخش بزرگی از کار دشوار آموزش زبان فارسی آسان می‌شود. شرط این کار این است که ما از روش آموزش «چیدمان بلوکی» به کودکان سود ببریم.

فراتر از موضوع چیدمان بلوکی، در نوشتار زبان فارسی گاهی گزینش واژگان فارسی به شناخت بهتر کودک کمک می‌کند و نقش زبان پایه را در آموزش دانش‌های دیگر نشان می‌دهد.

مثلث / سه‌گوش
 مربع / چهارگوش
 دایره / کُرده
 تلفظ / رانش

وضعیت فعل‌ها در چیدمان بلوکی

در هر زبانی، ساختار کارواژه‌ها یا فعل‌ها چنان است که پیوسته برپایه‌ی بن کارواژه دگرگون می‌شوند. چون سواد پایه‌ی خواندن و نوشتن که سال‌های اول و دوم دبستان را دربرمی‌گیرد چندان با موضوع گردش‌ها و چرخش‌های فعلی به جز دو فعل **است** و گردش‌های آن و **بود** و گردش‌های آن درگیر نیست، دو پیش‌نهاد در این زمینه وجود دارد.

است و **بود** مانند **این کتاب است** و **او در خانه بود** هیچ‌وند مهمانی ندارند برای سوادآموزان روشن هستند. کودکان نوسواد نخست **است** را می‌آموزند و سپس **بود** را. **بود** به سبب نویسه‌ی «د» هیچ‌گاه با **وند** مهمان یکی نمی‌شود. بنابراین درباره‌ی روش نوشتاری این فعل مشکلی وجود ندارد. اما **است** به سبب نویسه‌ی «ت» **وند** مهمان را به خود می‌گیرد و سبب دشواری در خواندن و نوشتن می‌شود. شکل بلوکه‌سازی برای این فعل این است:

هست	هستم	هست
هست	هستیم	هست

برای نوشتن این فعل پایه، روش چیدمان بلوکی بر روش چسبان برتری دارد. اما چون به سال‌های پس از آموزش سواد پایه می‌رسیم و در کتاب‌های داستانی ممکن است سبب بدفهمی خانواده‌ها شود، همان روش چسبان هم می‌تواند به کار برود.

سوختم	سوخت	سوخت
دوختم	دوخت	دوخت

به معنای من خواب هستم

خواب ام

گاهی خوابام یا خوابم را خراب کردی، یعنی خواب من را خراب کردی.

گاهی حالت مصدري نیز در سخن و گفتار به کار می‌رود که بهتر است به روش چیدمان بلوکی نوشته شود، مانند:

آموختن اش

آموختن ات

در چیدمان بلوکی عددهای توصیفی یا وصفی را به این گونه می‌نویسیم:

سوم

دوم

یک ام

پنج ام

چهارم

هفت ام

شش ام

نه ام

هشت ام

یازده ام

ده ام

برخی از روش‌های نوشتاری ساده برای سوادآموزان در این جا و بخشی دیگر در نوشته‌ای دیگر که به ایرانک دبیره اختصاص دارد، می‌آید:

خانه حسن

خانه‌ی حسن

یا دوگانه نویسی در برخی از واژگان مانند:

قوقولی قوقو / غوغولی غوغو

غورباغه / قورباغه

غارغار / قارقار

که در این سبک نوشتن هیچ تفاوتی وجود ندارد و آموزگارانی که کودکان نوآموز را برای نوشتن قارقار به جای غارغار به پرسش می‌گیرند خود باید درباره‌ی دانش‌شان درباره‌ی زبان فارسی بازاندیشی کنند. در این موارد باید به کودکان گفت که هر دوی این گونه نوشتن درست است و هیچ کسی و هیچ ادیب و دانشمندی نمی‌تواند بر این گونه نوشتن ایراد بگیرد. اما از نگاه ما وقتی که کلاغ با غ نوشتن می‌شود، بهتر است که صدای او هم غارغار باشد تا قارقار.

زبان فارسی برای بسیاری از کودکان در مناطق دوزبانه، زبان مادری نیست. یعنی دستور آن را در گفتار نیاموخته‌اند و باید کم‌کم و بر پایه قوانین آموزش زبان دوم بیاموزند.

مؤسسه پژوهشی
تاریخ ادبیات کودکان

